

که می توان از در آمد ملی (یا تولید ناخالص داخلی) به قیمت ثابت در محاسبه نرخ تورم بهره جست.

اندازه گیری نرخ "تورم"

گفته شد که اجزای سمت راست قاعده بالا شاخص قیمت و میزان واقعی تولید را نشان می دهد که بیانگر اندازه واقعی تولید در کشور از یک سو و سطح قیمت ها از سوی دیگر است. اگر سطح قیمت ها در یک دوره زمانی تغییر نکند، اندازه سمت راست قاعده بخش تولید کالا را نشان می دهد که برابر با حاصل جمع عوامل سمت چپ قاعده خواهد بود و بنابراین با اندازه گیری آنها

اشاره

در شماره های مرداد و مهر ۱۳۸۶ نامه اتاق بازرگانی برخی نظریه های کلی در زمینه سیاست های ارزی، سیاست های پولی، تورم و سود بانکی مورد بررسی قرار گرفت و گفته شد آنچه که توسط مقامات پولی و بانکی "نورم" نامیده می شود، تنها بیانگر افزایش قیمت کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری (تورم مصرفی) بوده و دارایی های غیر پولی (فیزیکی) همچون زمین، ساختمان و غیره را در بر نمی گیرد، و اینکه به منظور محاسبه بهتر نرخ تورم لازم است از نظریه مقداری پول بهره بگیریم. در این زمینه قاعده $MV + MV' = PT$ ارایه شد و گفته شد

درآمدی بر اندازه گیری "تورم" در کشور

فریدون رستمی*



می‌توان به میزان تولید کالا و خدمات در کشور دست یافت.

اما این امر در صورتی امکانپذیر است که بانک مرکزی و سازمان‌های پولی کشور بتوانند با دقت لازم این حاصل جمع را محاسبه کنند، که از چند نظر چنین نیست. نخست آنکه بانک مرکزی هیچگاه میزان و اثر سپرده‌های بخش دولتی/عمومی بر اندازه نقدینگی را محاسبه و برآورد نکرده است در صورتیکه از این سپرده‌ها هم برای خرید کالا و خدمات بهره‌برداری می‌شود، و هم اینکه نظام بانکی می‌تواند از آنها در وام‌دهی و خلق پول استفاده کند... از سوی دیگر، سرعت گردش پول در اقتصاد پیش‌بینی شدنی نیست. برای نمونه، سرعت گردش معاملاتی پول از $8/4$ در سال ۱۳۵۲ به تدریج به $6/2$ در سال ۱۳۶۷ کاهش یافت. پس از آن در سال ۱۳۷۷ به $4/4$ افزایش و در سال پس از آن (۱۳۷۸) ناگهان برابر ۱۵ و در پی آن در سال ۱۳۷۹ به پنج کاهش یافت^(۱)... این نوسانات البته گویای بی‌اهمیتی سیاست‌های پولی در سازمان‌های پولی کشور است که عدم درک نقش پول در اقتصاد می‌تواند از آن جمله باشد.

بنابراین اتکا به متغیرهای سمت چپ قاعده بالا برای برآورد برخی متغیرهای اقتصادی امکانپذیر نیست. از همین روست که رابطه معناداری مثلا بین نرخ تورم مصرفی و نرخ رشد نقدینگی در آمارهای رسمی وجود ندارد. از این جهت شاید بتوان با استفاده از عوامل سمت راست قاعده و آن هم بر پایه آمارهای همان سازمان‌های پولی / بانکی برخی پدیده‌های پولی را تشریح کرده و مثلا رشد شتابان برخی کالاها همچون ساختمان، مستغلات، زمین را توضیح دهیم زیرا نرخ تورم مورد نظر بانک مرکزی (کالاها و خدمات مصرفی، عمده‌فروشی، قیمت کالاها و خدمات وارداتی یا صادراتی و...) تاکنون نتوانسته است سطح قیمت‌های همه کالاها و خدمات مورد استفاده توسط مردم را با دقت مورد نیاز اندازه‌گیری کند. بدین منظور لازم است سازمان‌های پولی در کشور اقدامات لازم برای برآورد نرخ تورم برای همه بخش‌ها و کل اقتصاد را مدنظر قرار داده تا حداقل تصویر روشنی از تحولات کشور برای اعمال سیاست‌های لازم در جهت بالندگی اقتصاد اتخاذ کنند. بنابراین کوشش می‌شود تورم کل در کشور در یک دوره زمانی برآورد شود.

...اما در محاسبه نرخ تورم کل، اینکه تولید ملی یا تولید ناخالص داخلی، سال پایه نزدیکتر (۱۳۸۳) یا دورتر (۱۳۳۸، ۱۳۵۳...) می‌باید مورد بررسی قرار گیرد موجب نگرانی است چرا که بنظر نمی‌رسد آمارهای مورد نظر کاملاً دقیق و یا قابل مقایسه باشند و اینکه همگن کردن آمارها نیز

بسیار وقت‌گیر، و دسترسی به برخی آمارها مورد نیاز ناممکن... از اینرو و با توجه به اینکه یکی از دلایل تورم در کشور استفاده از درآمد فروش نفت خام بویژه پس از سال ۱۳۵۳ بوده است، نگارنده بر آن شد که سال پایه را ۱۳۵۲ در نظر گرفته و با افزایش مقدار تولید ناخالص داخلی آن سال کشور با ضریب نرخ رشد اقتصادی اعلام شده برای هر یک از سال‌های پس از آن، تولید ناخالص داخلی سال بعد (و سال‌های بعد) را به قیمت ثابت ۱۳۵۲ محاسبه کند (برای نمونه و به منظور محاسبه درآمد ملی به قیمت ثابت سال ۱۳۵۳، رشد اقتصادی سال ۱۳۵۳ در تولید ناخالص داخلی ۱۳۵۲ تعمیم داده شد) و با تولید ناخالص داخلی به قیمت جاری آن سال مقایسه شد تا نرخ انبساط اقتصاد بدست آید.

نمودار شماره یک رشد تولید ناخالص داخلی به قیمت ثابت و جاری را نشان می‌دهد که نشانگر رشد کند تولید ناخالص واقعی (به قیمت ثابت) ولی رشد شتابان تولید به قیمت جاری است که خود نشان‌دهنده خلق بی‌ملاحظه پول در کشور است که به نظر نمی‌رسد حاصلی جز صفرافزایی به اسکناس و بی‌ثباتی اقتصادی و فرار از پول ملی را به همراه داشته باشد. بی‌ثباتی پول کشور تا بدان پایه رسیده است که همگان به تجربه دریافته‌اند که باید پول را به دارایی‌های حقیقی تبدیل کرده و بنابراین مسابقه بی‌ثمری برای رهایی از پول و تملک دارایی‌های حقیقی از مدت‌ها پیش آغاز شده است.

با اینکه در نظریه‌های علوم اجتماعی دسترسی به مسکن به معنای رفع نیازهای اولیه هر فردی است، ولی در کشور ما به ابزاری برای سرمایه اندوژی و حفظ ارزش پول تبدیل شده است و در نتیجه در پی مسابقه پیش گفته برخی نمی‌توانند این نیاز اولیه خود را تامین کنند.

بنابراین لازم است در گام نخست نرخ انبساط اقتصاد اندازه‌گیری شود که مقایسه درآمد ملی به قیمت‌های ثابت و جاری می‌تواند آغازی برای این امر باشد.

با بررسی نرخ انبساط اقتصاد پیش گفته بیش از نیمی از افزایش قیمت‌ها توضیح داده می‌شود. ملاحظه می‌شود^(۲) که نرخ انبساط اقتصاد بر پایه این روش و در دوره ۱۳۵۲ تا ۱۳۸۳ بین چهار تا بیش از ۶۰ درصد در نوسان بوده و نرخ انبساط و نرخ تورم می‌تواند به صورت تاخیری دارای وابستگی باشند. یا اینکه نرخ انبساط و نرخ رشد اقتصادی واقعی نه تنها همخوان نبوده بلکه حتی ممکن است دارای رابطه مبادله‌ای هم باشند که خود می‌تواند مصداق داشتن نظریه مقداری پول در کشور و مناسب بودن سیاست‌های پولی برای اثرگذاری مورد نظر بر متغیرهای اقتصادی را نوید

بدهد. البته بسیاری از عوامل اقتصادی می‌باید در بررسی امر مورد نظر قرار گیرند تا بتوان از گفته بالا یقین حاصل کرد که نگارنده امیدوار است در فرصتی دیگر و با استفاده از روش‌های کمیته (اقتصادسنجی) به این امر بپردازد. با وجود این، نمودار پیش گفته با تخمین نرخ بالای تورم (تا حتی ۶۰ درصد) می‌تواند نشان‌دهنده وضعیت واقعی باشد. به عبارت دیگر، متوسط نرخ تورم کل در کشور در دوره مورد بررسی در حدود ۲۵ درصد در سال برآورد می‌شود که ناحیه بین منحنی رشد واقعی و جاری تولید ناخالص داخلی نشانگر آن است البته و بطور کلی پراکندگی این نرخ به صورتی است که هر چه به زمان حال نزدیکتر می‌شویم، میزان آن بالاتر است و اینکه نرخ تورم در بخش غیر قابل تجارت و کنترل نمایان‌تر است.

بنظر می‌رسد اعلام نرخ‌های تورم مصرف‌کننده برای مردم غیرکارشناس گمراه‌کننده و برای سیاست‌گذاری نا مطمئن باشد.

اگر دولت و مقامات پولی خواهان رشد ۱۰ درصدی اقتصاد، کاهش بیکاری و تورم به نرخ‌های معقول باشند، نه تنها لازم است میزان نقدینگی را به صورت دقیق برآورد کنند بلکه به آرامی و در یک دوره حداکثر ۵ ساله میزان رشد آن را به حداکثر ۱۵ درصد محدود کنند. افزون بر این و در همین راستا، عقیم‌سازی اثرات بخش صادرات نفت خام بر اقتصاد کشور در همین دوره زمانی نیز بسیار ضروری است.

* عضو انجمن اقتصاددانان ایران

زیر نویس‌ها:

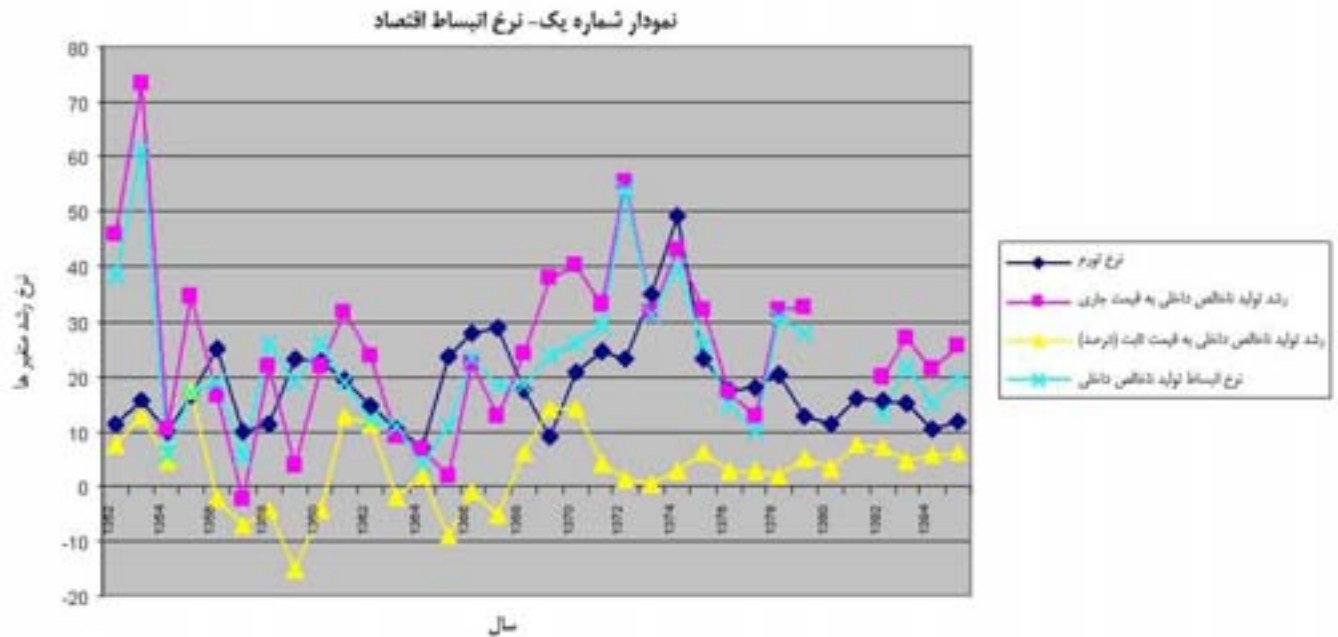
(۱) تجربه تاریخی در جهان نشان می‌دهد که در کشورهای رشد یابنده سرعت گردش پول بیش از ۲۰ است که پایین بودن آن در کشور می‌تواند گویای ناتوانی نظام بانکی کشور در پولی شدن اقتصاد و بهره‌برداری از فواید آن باشد.

(۲) برای نمونه، بهای یک قطعه سکه از ۳۹۰۰ ریال در سال ۱۳۵۴ به حدود دو میلیون ریال در سال ۱۳۸۶ افزایش یافته است که نشانگر تنها در حدود ۲۳ درصد نرخ رشد سالانه است چرا که دولت در بازار مسکوکات گران‌بها دخالت و قیمت آن را تا حدی کنترل کرده است. در حالیکه در مثلا بازار مسکن در سال‌های اخیر نرخ تورم در حدود ۵۰ درصد بوده است چرا که بطور مستقیم قابل کنترل نیست. بنابراین نرخ‌های متفاوت در بخش‌های مختلف بدست می‌آید که میزان هر یک از آنها به درجه کنترل مستقیم دولت (قیمت‌گذاری و اعمال آن) و کنترل غیرمستقیم

ساختار تحصیلی بیکاری مشهود است، بر باد خواهد رفت.

درآمدهای نفتی و انتشار بی حساب پول امکان پذیر شده است و اگر این مداخله ادامه یابد، بنیان تولید و نوآوری در کشور همچنان که در

دولت (اعمال سیاست های لازم همچون تثبیت نرخ ارز از راه مداخله در بازار ارز) بستگی دارد و اینکه مداخله دولت در اقتصاد کشور با پشتوانه



□

حمل و معین آگه از آگهی شماره به ایران و بالعکس (از میثی، دریایی، هوایی)
 حمل و معین آگه شماره کانتینر و پررژهای
 ترانزیت کالا از میانه و روی کشور به کلیه شرکت های داخلی و مناطق ویژه اقتصادی
 ترانزیت کالا از میانه و روی کشور به کلیه کشورهای CIS، عراق، گابون و بالعکس
 ناقله بیمه نامه باربری معین آگه شماره کانتینر و هوایی
 ترانزیت کالا از کلیه شرکت های کشور و مناطق ویژه اقتصادی
 باربری شماره کانتینرهای ایتالیا در پنج نوبت در دنیا
 سرویس Door To Door
 در اختیار داشتن بیش از صد دستگاه کامیون ایرانی و گاوچین

TEL: 009821 77632351 - 77508430 - 77500597 - 77511619/20 - 77632353/9
FAX: 009821 77533675 - 77651985
EMAIL: info@bbitco.com
www.bbitco.com



بارانداز بهاور

(حمل و نقل بین المللی و خدمات کانتینر)

Barandaz Bahavar

Int'l Transport & Shipping Service Co.Ltd

(CARRIER & FORWARDER)